ازدواج مـــدرن، دشواری‌هـــا و بُن‌بســـت‌های همسریابی

6 فروردین 1401

تدوین‌کنندگان و تصویب‌گران قانون « حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» چه تدبیری برای پذیرش و ترویج ازدواج‌های غیرسنتی همراه با رضایت والدین اندیشیده‌اند؟

در تاریخ ۲۴ آبان ۱۴۰۰، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، با هفتاد و سه ماده و هشتاد و یک تبصره پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان، توسط رئیس‌جمهور برای اجرای آزمایشی آن به مدت هفت سال، به وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و معاونت امور زنان و خانواده‌ی رئیس‌جمهور ابلاغ شد.

تدوین‌کنندگان و تصویب‌گران این قانون امید دارند که با اجرای آن، روند پیری جمعیت رو به کاهش گذارد و با ازدواج به‌هنگام جوانان و تولد دست‌کم سه فرزند، برای هر نفر، نرخ جای‌گزینی ۷/۱ کنونی کشور که با نرخ ۶/۲ (رشد جمعیت صفر) فاصله‌ی زیادی دارد، با شتابی معجزه‌آسا افزایش یابد. اگر چنین نشود، در سی سال آینده ۲۶ درصد جمعیت کشور را افراد ۶۰ ساله و بزرگ‌تر تشکیل خواهند داد. چند مشکل اساسی و هراس‌آور پیری جمعیت عبارتند از:

– کم‌شدن نیروی کار
– به خطرافتادن امنیت کشور
– فشار زیاد بر نظام تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی
– کاهش نشاط و طراوت اجتماعی
– رو به زوال رفتن فرهنگ و تمدن ایران اسلامی

برای دست‌یابی به هدف‌های آرمانیِ جوانی جمعیت، چاره‌ای نیست جز این‌که افراد در سنِ ازدواج – زنان زیر سی سال و مردان زیر سی و پنج سال – مراحلِ زیر را پی‌درپی و با فاصله‌های کم زمانی طی کنند:

۱. کسب «هویت همسری»: داشتن آمادگی فکری، عاطفی و رفتاری جهتِ پایه‌ریزی بنای زندگی مشترک و تعهد و تلاش برای استوارساختن و پایداری آن.

۲. برخورداری از توان اقتصادی لازم (شغل ثابت و سالم، درآمد کافی، مسکن و وسیله‌های ضروری زندگی).

۳. امکان انتخاب همسری مناسب در کم‌تر از یک‌سال، پس از گذر از دو مرحله‌ی قبلی.

۴. بهره‌مندشدن از برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای علمی و مفید برای شکوفایی و بالندگی نهال ازدواج و

پیش‌گیری از آشفتگی و گسستگی پیوند همسری.

۵. بیدارشدن انگیزه و رغبت به فرزندآوری و دسترسی به امکانات و تسهیلات اقتصادی و اجتماعی برای فرزندپروری.

اگر این گام‌ها واقع‌بینانه، جدی و محکم برداشته نشوند، پدیده‌ی رنج‌آور تعویق ازدواج جوانان چهره‌ی درهم‌کشیده و هراس‌آور خود را – همان‌گونه که اکنون نمایی از آن را می‌بینیم – به تمامی آشکار می‌سازد و آسیب‌های فراوان و گاه ماندگار فردی و اجتماعی را دامن می‌زند. نمودار ۱ مراحل یادشده را به روشنی در چشم‌اندازمان قرار می‌دهد.

مرحله‌ی نوبزرگ‌سالی، دوره‌ای است بین نوجوانی و بزرگ‌سالی و پنج ویژگی اساسی آن: جست‌وجوی هویت، ناپایداری، تمرکز بر خود، احساس بینابینی و امکانات/خوش‌بینی. اگر میلیون‌ها جوان ایرانی در سن ازدواج، که بیش از ۴۰ درصدشان دانشجو هستند و یا تحصیلات دانشگاهی دارند، رغبتی به تأهل نشان نمی‌دهند، نه به این خاطر است که توان اقتصادی لازم را برای تشکیل خانواده ندارند، بلکه ویژگی‌های طبیعی، و نه نابهنجار، نوبزرگ‌سالان را دارند و بر این باورند که «ازدواج، رویدادی خوب و مثبت است اما اکنون آمادگی تعهد به آن را نداریم.»

این پدیده‌ی طبیعیِ روان‌شناختی، واقعیتی است که تدوین‌کنندگان قانون جوانی جمعیت با به آن آگاهی نداشته‌اند یا با ساده‌نگری چشمان خود را بر آن فرو بسته‌اند.

واقعیت فراموش‌شده‌ی دیگر، مشکلات و بن‌بست‌های همسریابی است. در این شماره با تکیه بر شواهد علمی و تجربی، چالش‌های انتخاب همسر و روش‌های ناکارآمد آن را بررسی می‌کنیم و با یاری خداوند

در شماره‌های آتی مجله و به پشتوانه‌ی مطالعات و یافته‌های علمی، موثرنبودن مراکز مشاوره‌ی تخصصی ازدواج و خانواده را در حوزه‌های همسرگزینی و تحکیم خانواده از نظر می‌گذرانیم.

مشکلات و بن‌بست‌های همسریابی

با آن‌که دانشمندان علوم اجتماعی در آثار خود انواع ازدواج، مانند: ازدواج‌های تحمیلی و اجباری، ازدواج ترتیب‌داده‌ی توافقی، ازدواج خودگزین و ازدواج خودمختار را نام برده‌اند و توضیح داده‌اند اما در بسیاری از جوامع زنده‌ی بشری دو سنخ ازدواج سنتی و ازدواج از روی عشق رواج بیشتری دارد.

این دو شیوه با دو شاخص «عاملیت کُنش‌گر» و «رضایت تصمیم‌گیرنده» طبقه‌بندی می‌شوند. در شیوه‌ی سنتی، پدر و مادر یا یکی از بزرگان فامیل در فرایند انتخاب همسر برای پسر و دختر دخالت می‌کنند و البته رضایت فرزند جوان خود را هم به‌دست می‌آورند. در شیوه‌ی غیرسنتی یا انتخاب از روی عشق، جوانان کنش‌گران اصلی هستند که ابتدا با هم آشنا و دوست می‌شوند و پس از مدت‌ها ارتباط و شدت‌گرفتن علاقه و محبت به یک‌دیگر، تصمیم به ازدواج می‌گیرند.

آنکوریتی و همکاران (۲۰۱۳) دو سنخ ازدواج‌های سنتی و عاشقانه را فراگیرترین شیوه‌های همسرگزینی در بیشتر جوامع معاصر می‌دانند و با یادآوری تحلیل داده‌های بین فرهنگی لی و آستون با ۱۱۷ جامعه‌ی بشری، بر این باورند که ازدواج‌های بر پایه‌ی عشق بیشتر در خانواده‌های هسته‌ای و با زیست نومکانی(جدا زندگی‌کردن جوانان از خانواده‌های اصلی خود) رواج دارد. آن‌ها سطح بالای تحصیلات، شاغل‌بودن زن و شهرنشینی را عوامل همبسته با این شیوه‌ی ازدواج می‌دانند.

جفری آرنت (۲۰۱۸)، نظریه‌پرداز مرحله‌ی نوبزرگ‌سالی می‌نویسد «بیشتر ازدواج‌ها در فرهنگ‌های سنتی، ازدواج‌های ترتیب‌داده توسط بزرگ‌ترها هستند که با همسرگزینی‌های اختیاری و از روی عشق جوامع غربی متفاوتند» و می‌افزاید «با شتاب‌گرفتن فرایند جهانی‌شدن، جوانانِ دیگر کشورها برای انتخاب همسر آزادی بیشتری پیدا کرده‌اند. از این‌رو در بسیاری از فرهنگ‌ها نسبت ازدواج ترتیب‌داده، تعدیل و اصلاح شده است. به‌طوری‌که امروزه در بیشتر فرهنگ‌های شرقی، میزان ازدواج نیمه‌سنتی رو به افزایش است.»

گابریلا روبریو (۲۰۱۴) در مقاله‌ای پژوهشی و بلند با عنوان «چگونه عشق بر ازدواج پیروز شد: نظریه‌ی مستندی بر ناپدیدشدن ازدواج سنتی» می‌نویسد:

بررسی‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی نشان می‌دهد که ازدواج‌های سنتی راهبردی است که برای اتحاد و استواری پیوندهای خانواده‌ها، گروه‌ها و طایفه‌ها در مسیر تاریخ و در بیشتر جوامع بشری وجود داشته است. در کشورهای آسیایی و آفریقایی ازدواج سنتی به‌صورت سنخ غالب ازدواج نهادی، تا دهه‌های اخیر ادامه داشت. در سپیده‌دم سده‌ی بیستم میلادی۷۲درصد یا بیشتر ازدواج‌ها، در آسیا و آفریقا، از طریق اعضای خانواده یا خویشاوندان زوج‌ها صورت می‌گرفت. در طول قرن گذشته، فراوانی این نوع ازدواج‌ها به ۴۰درصد کاهش یافته‌اند.

همچنین با بررسی وضعیت ازدواج در هجده کشور آسیایی و آفریقایی معلوم شد که جوانان شهرنشین

این کشورها دورشدن خود از ازدواج‌های سنتی را آغاز کرده‌اند.

برای نمونه، امروزه در هندوستان که ازدواج‌های سنتی پیشینه‌ای بیش از ۶۰۰۰ سال دارند، ۴۰درصد جوانان گرایش دارند که خود همسر آینده‌شان را برگزینند.

عوامل گرایش به ازدواج مدرن (از روی عشق)

پژوهش‌گران خانواده این تغییر محسوس را به سه عامل اصلی:
۱. افزایش فردگرایی در فرهنگ‌های جمع‌گرا؛
۲. گرایش به تجددگرایی؛
۳. بالارفتن سطح تحصیلات جوانان و دست‌یابی آن‌ها به استقلال اقتصادی
نسبت داده‌اند.

هوفستد (2011) با پنج بُعد ارزشی که مهم‌ترین آن‌ها، فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی است، فرهنگ‌های بشری را از هم متمایز می‌کند.

تریاندیس، از پیش‌گامان مطالعات بین فرهنگی، فردگرایی را چنین تعریف می‌کند:

«الگوی اجتماعی که در آن، افراد پیوند چندان استواری با دیگران ندارند و خود را مستقل از جمع می‌دانند. با توجه به ترجیحات، نیازها، حقوق و قراردادهای شخصی خود با دیگران برانگیخته می‌شوند. اولویت را به اهداف شخصی خویش می‌دهند تا هدف‌های دیگران و در برقراری ارتباط با سایرین، بر تحلیل منطقی سود و زیان روابط تأکید می‌کنند.»

جمع‌گرایی از نظر این پژوهش‌گر یعنی:

«الگوی اجتماعی که شامل پیوندهای نزدیک افراد با دیگران است. افراد خود را بخشی از یک یا چند جمع (خانواده، همکاران، قبیله، ملت) می‌دانند. عمدتاً از طریق هنجارها و وظایف اِعمال‌شده از سوی جمع برانگیخته می‌شوند. گرایش دارند تا اهداف جمع را بر هدف‌های شخصی خود مقدم دارند و بر ارتباط و پیوستگی با جمع تأکید می‌کنند.»

با شاخص‌های هوفستد، بیش از ۵۰ کشور با حداکثر درجه‌ی ۱۰۰ (بالاترین میزان فردگرایی) رتبه‌بندی شده‌اند.

در این رتبه‌بندی میزان فردگرایی ایران ۴۱ است که بالاتر از کشورهای لبنان، روسیه، کشورهای عربی، ترکیه، عراق، عربستان(۲۵) و پاکستان(۱۴) قرار دارد. این حرکت نسبتاً سریع از جمع‌گرایی به فردگرایی آثار خود را در افزایش فراوانی رابطه‌های پیش از ازدواج دختران و پسران و انتخاب همسر با تصمیم و کنش‌گری جوانان بر مبنای علاقه و عشق نمایان ساخته است.

همراه با تغییر یادشده، تجددگرایی با مولفه‌های آن که عبارتند از: اومانیسم (انسان‌مداری)، سکولاریسم (عرفی‌کردن امور)، نسبی‌گرایی، لیبرالیسم (پافشاری بر همه نوع آزادی) آرام آرام در زندگی فردی و

اجتماعی مردم و به‌ویژه نسل جوان گسترش یافته است. برایند این تحولات اجتماعی بیش از هر چیز بر خانواده و کارکردهای آن تأثیر ژرف و آشکار خود را گذاشته است:

– بالارفتن سن ازدواج و برقراری رابطه‌های آزاد و جنسی به‌جای تعهد به تشکیل خانواده

– روی‌آوردن به ازدواج‌های غیرسنّتی و خودگزین که به شدت‌گرفتن تنش‌های بین والدین و فرزندان انجامیده است.

– بی‌توجهی به فرزندآوری و فرزندپروری

آیا می‌توان جلو این دگرگونی‌های ناهمسان با فرهنگ دینی و سنتی ایران اسلامی را گرفت؟

آرلند تورنتون، پس از سال‌ها بررسی متون تاریخی علوم اجتماعی و پژوهش‌های تجربی گسترده در حوزه‌ی تحولات اجتماعی کشورهای گوناگون، نظریه‌ی آرمان‌گرایی توسعه‌ای (تحولی) خود را در تبیین تغییرات خانواده مطرح کرده است.

او با نقد نظریه‌های نخستین درباره‌ی تغییرات خانواده و به‌خصوص نظریه‌ی نوگرایی که صنعتی‌شدن، شهرنشینی و گسترش آموزش را فشارزاهایی برای ازدواج‌های غیرسنتی می‌داند، آرمان‌گرایی توسعه‌ای را به‌عنوان «مدل آرمانی از واقعیت» و «مدل آرمانی برای واقعیت» با چهار اصل زیر توصیف می‌کند:

۱. جامعه‌ی مدرن خوب و قابل دست‌یابی است.

۲. خانواده‌ی مدرن خود و قابل دست‌یابی است.

۳. جامعه و خانواده به‌صورت علت و معلولی با هم در ارتباط هستند.

۴. روابط اجتماعی در جامعه‌ی مدرن با آزادی، برابری و رضایت و توافق برقرار می‌شود.

همه‌ی جوامع بشری مانند انسان‌ها که مراحل رشد و تحول خود را به‌طور طبیعی و منظم، از تولد تا

بزرگ‌سالی و پختگی طی می‌کنند، در مسیر تحولات اجتماعی به جوامعی مدرن و خوب تبدیل می‌شوند. در جامعه‌ی مدرن و خوب:

– به جای خانواده‌های گسترده، خانواده‌های هسته‌ای
– به جای ازدواج‌های اجباری و یا ترتیب‌داده‌شده توسط بزرگ‌ترها، ازدواج‌های بر مبنای انتخاب فردی و عشق

– به جای تنظیم برنامه‌ی فرزندآوری با اجبار و فشار دولت‌ها، به آزادی در تولد و بزرگ‌کردن فرزندان

– به‌جای تعویق رابطه‌ی جنسی تا زمان ازدواج رسمی، برقراری رابطه‌ی جنسی، البته بدون بی‌بندوباری پیش از ازدواج

حاکم خواهد بود.

در جامعه‌ی مدرن جوانان، انتخاب‌ها و روابط خود را با برابری، آزادی و توافق صورت می‌دهند. این ارزش‌ها که هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای غربی رواج دارد، از طریق مسافرت‌ها، شبکه‌های ارتباطی و مجازی، ترویج برنامه‌های آموزشی و رسانه‌های جمعی به دیگر کشورها سرایت می‌کند.

تورنتون (۲۰۰۱)، البته در پایان یکی از مقاله‌های اصلی خود که به توضیح نظریه‌ی آرمان‌گرایی توسعه‌ای پرداخته است، تصریح می‌کند که کشورهای دیگر می‌توانند با ترویج ارزش‌های مذهبی، تکیه بر سنت‌های فرهنگی و حکمرانی اعتمادبرانگیز مردم را در چارچوب‌هایی سالم و مناسب با ارزش‌های فرهنگی خود نگه‌دارند.

ما کجا ایستاده‌ایم؟

آیا آن‌چه را که درباره‌ی دگرگونی ارزش‌های فرهنگی و روی‌آوردن جوانان به سبک زندگی مدرن غرب‌بنیاد گفتیم تنها در سطح بحث‌های دانشگاهی و روشنفکری است و بسیاری از مردم عادی را با آن‌ها پیوند و کاری نیست؟

نزدیک به ده پژوهش با روش کیفی و تحلیل گفتمان با نمونه‌هایی از جوانان گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ در شهرهای مختلف نشان داده‌اند که جوانان تحصیل‌کرده ازدواج به شیوه‌ی سنتی یعنی انتخاب و کنش‌گری والدین را نمی‌پذیرند و با همسرگزینی از روی عشق و برقراری رابطه‌ی دوستانه سر سازگاری دارند.

بسیاری از پاسخ‌گویان هم به دلیل پای‌بندی به ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه و هم وابستگی اقتصادی به پدران و مادران خود، تأکید کرده‌اند که پس از این‌که ما خود همسر آینده‌مان را انتخاب کردیم و مدتی با او رفت‌وآمد داشتیم و به توافق رسیدیم، ضروری می‌دانیم که رضایت والدین خود را هم جلب کنیم (نیمه‌سنتی یا ترکیبی). اما با ناراحتی شِکوه سر می‌دهند که با آن‌که جامعه رو به نوگرایی و ارزش‌های مدرنیته رفته است، بزرگ‌ترهای ما پای در سنت دارند و ازدواج‌های غیرسنتی را نمی‌پذیرند و برنمی‌تابند.

این ناهماهنگی فرزندان و والدین بسیاری از خانواده‌ها را صحنه‌ی کشمکش‌ها، درگیری‌ها و نزاع‌های طولانی و روان‌فرسا کرده است.

نکته‌ی دیگری که جوانان آماده‌ی ازدواج بیان می‌کنند بن‌بست‌های ازدواج به روش سنتی است:

در جامعه‌ی فردگرای کنونی، با زیادشدن خانواده‌های هسته‌ای دیگر کسی برای ازدواج فرزندش به سراغ دختر و پسر خویشاوند نمی‌رود، همسایه‌ها نیز یکدیگر را نمی‌شناسند و دوستان نزدیک هم فرزندان خود را از سال‌های پیش با یک‌دیگر آشنا نمی‌سازند.

وقتی از دست راویان و واسطه‌های نزدیک و سالم کاری برنمی‌آید، شبکه‌های مجازی و پایگاه‌های غیرقانونی همسریابی نقش راویان پنهانی را ایفا می‌کنند.

شاید این پرسش به ذهن خوانندگان این نوشتار بیاید که گفته‌های جوانانی که در پژوهش‌های کیفی بر ازدواج‌های غیرسنتی تأکید کرده‌اند، از حد نگرش فراتر نمی‌رود ولی در سطح رفتار و اقدام باز هم جوانان برای ازدواج‌های خود باید تن به ازدواج‌های سنتی با رضایت و حمایت والدین خود بدهند.

این خوش‌بینی، فرسنگ‌ها از واقعیت فاصله دارد. اگر همکاران جامعه‌شناس تنها به تحلیل دیدگاه‌های افراد می‌پردازند و این پندار را القاء می‌کنند که نگرش به آسانی به رفتار نمی‌انجامد، اما روان‌شناسان و مشاوران حوزه‌ی ازدواج که هر دو گروه جوانان و بزرگ‌ترهای آن‌ها از مراجعان اصلی‌شان هستند، گواهی می‌دهند که عده‌ی قابل توجهی از جوانان، ماه‌ها و حتی سال‌ها، دور از چشم و مراقبت خانواده‌هایشان، همسران آینده‌شان را برمی‌گزینند و پس از آن خانواده را عرصه‌ی بگومگوها و نزاع‌های خود برای جلب رضایت والدین قرار می‌دهند.

از بین ۶۱۰ نفر کسانی که در طول سی ماه، در سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ برای مشاوره‌ی قبل از ازدواج در مرکز خدمات مشاوره‌ای بیدار به من مراجعه کرده‌اند، نزدیک به ۴۰درصد آن‌ها از طریق غیرسنتی به همسرگزینی روی آورده‌اند و افزون بر این، روند این سنخ ازدواج غیرسنتی رو به افزایش بوده است!

هرکدام از این دو روش رایج، چالش‌ها و مشکلات خاص خود را دارند.

ازدواج با روش سنتی، با آن‌که در چارچوب ارزش‌های فرهنگی جامعه قرار دارد و با کنش‌گری، رضایت و حمایت والدین جوانان جویای همسر پیش می‌رود، اما راه دست‌یابی به آن، به‌خاطر تغییرات پُرشتابی که به آن‌ها اشاره کردیم، ناهموار و دشوار است. به‌علاوه؛

فاصله‌ی کم آشنایی تا عقد و رفت‌وآمدها و گفت‌وگوهای کوتاه، رسمی و کلیشه‌ای و نیز دخالت بزرگ‌ترها، به‌ویژه مادران، در تحمیل نظر خود به فرزندان برای پذیرش ملاک‌هایی که اختصاص به جوانان دارد، مانند ویژگی‌های ظاهری، رفتارهای مذهبی، رضایت و دوام زندگی زناشویی را که دو مولفه‌ی اصلی ازدواج‌های بالنده هستند، تهدید می‌کند. جوانان ایرانی برای ورود به منطقه‌ی ازدواج غیرسنتی (نیمه‌سنتی و یا ترکیبی) با موانع فرهنگی، اجتماعی گوناگون برخورد می‌کنند که مهم‌ترین‌شان عبارتند از:

– فراهم‌نبودن موقعیت‌های سالم و پذیرفته‌شده برای آشنایی و ارتباط با افرادی از جنس مخالف و آزادی برای گزینش هم‌سفری هماهنگ با معیارهای خود

– ناآگاهی از معیارهای اصلی همسرگزینی

– انتخاب شتابزده به فرمان کشش‌های تند عاطفی و غریزی

– برخوردارنبودن از توان اقتصادی برای تشکیل زندگی، به‌خصوص دلدادگان کم‌سال

– اخبرنکردن زودهنگام والدین از علاقه و ارتباطهای خود

– بروز تنش‌های خانوادگی پس از پرده برون‌افتادن رازها و به‌کارگیری هر یک از افراد دو نسل از ترفندهایی آزاردهنده و آسیب‌زا برای رسیدن به مقصود خود!

نتیجه‌ی این کشمکش‌ها، یا به ناکامی جوانان در ازدواج می‌انجامد یا به گسترش نارضایتی‌ها به پس از ازدواج. گسستگی پیوند زناشویی و آشفتگی درازمدت رابطه‌ی همسران، فرجام چنین ازدواج‌هایی است.

چه بی‌پناه و درمانده‌اند جوانان ما!

واقعیت فراموش‌شده

تدوین‌کنندگان و تصویب‌گران قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت چه تدبیری برای پذیرش و ترویج ازدواج‌های غیرسنتی همراه با رضایت والدین اندیشیده‌اند؟

چه زمینه‌ها و عرصه‌های سالمی برای آشنایی جوانان با یک‌دیگر قبل از ازدواج می‌توان فراهم ساخت که افزایش احتمال همسریابی همراه با شناخت و علاقه به هم را در پی داشته باشد!

ماده‌ی ۳۷ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و تبصره‌ی ذیل آن، سازمان تبلیغات اسلامی را مکلف به توسعه‌ی فرهنگ واسطه‌گری در امر انتخاب همسر، با محوریت و مشارکت خانواده‌ها و رعایت موازین قانونی و شرعی کرده است. مجوز مراکز فعال در امر انتخاب همسر با تأیید سازمان تبلیغات اسلامی، توسط وزارت ورزش و جوانان صادر می‌شود. این امتیازی است که قانون مزبور بر قانون قبلی حمایت خانواده دارد اما این مراکز که موفق‌ترین آن‌ها برنامه‌ی همسان‌گزینی همدم است، با امتیازاتی که دارند با همان سنخ ازدواج‌های سنتی عمل می‌کنند و نمی‌توانند عطش زیاد نزدیک به نیمی از جوانان را به ازدواج‌های خودگزین فرونشانند.

کلام آخر:

اگر صدها هزار جوانی که در هر سال، از چنبره‌ی تمرکز بر خویشتن رها می‌شوند و هویت ازدواج و همسرداری را کسب می‌کنند و با تلاش خود، حمایت خانواده و تسهیلات اندک دولت به توانمندی اقتصادی برای تشکیل خانواده می‌رسند، بخواهند در بازه‌ی زمانی یک‌ساله برای روش‌های همسو با ارزش‌های فرهنگی و دینی جامعه، همسر مناسب خود را پیدا کنند، چه راه‌هایی را به آن‌ها نشان می‌دهیم؟

کدام ماده و تبصره‌ی قانون حمایت خانواده و جوانی جمعیت، پاسخگوی این پرسش ساده و روشن است؟

نمودار 1: مراحل رسیدن به هدف آرمانی جوانی جمعیت:

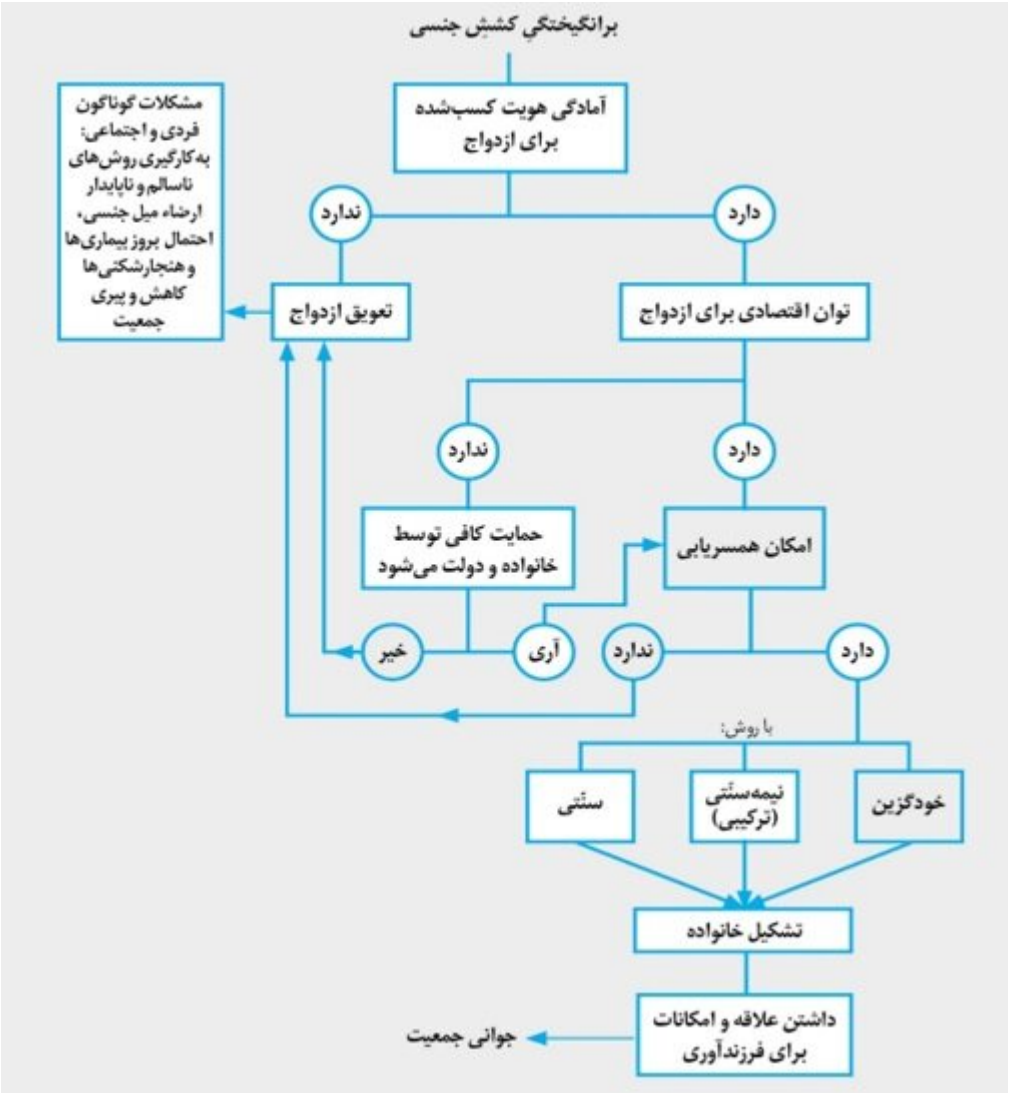

منابع:

– منتشر شده در مجله سپیده دانایی

– Arnet, Jeffry .(2018).*Adolescence and Emerging Adulthood*, Pearson,U.S.A

– Ankuriti, S, Dasgulpa, shatanjaya (2013). *Marriage Markets*.

– Rubio, Gabriela(2014), *How Love Conquered Marriage: Theory and Evidence on the Disspearance of Arranged Marriges, http://gabrielarubio.bol.ucla.edy*

– Thornton, Arland. (2001).The Development Paradigm, Reading History Sideways, And Family Change. Demography journal, Volume 38-Number 4, 449-465

* دکتر محمود گلزاری: روانشناس و مدیرمسئول مجله سپیده دانایی